

بررسی سینمای فریدون جیرانی
و تحلیل نقش زنان در آثار او

این زنان کنش‌گر سرکوب نشده!

مدیوم فیلمسازی هم تمام تلاشش را کرده که این مهم را به کرسی بنشانند. جیرانی فیلمساز جشنواره‌ای نیست که با فیلم‌هایش برود در کن و ونیز و برلین تا برایش کف بزند، از سوی دیگر فیلمسازی بی‌مسئله و بی‌ارزش را هم پس می‌زند، بلکه برای او مسئله روز جامعه و چالش‌های فردی و اجتماعی در مفهوم یک کشور جهان‌سومی اما رو به پیشرفت است که او را دوربین به دست می‌گیرد و به کف خیابان می‌برد.

حال با این معرفی و مقدمه به سراغ بررسی لایه‌های سینمای فریدون جیرانی برویم و موتیف‌ها و سطوح مضمونی‌اش را کمی باز کنیم.

در سینمای ایران، به‌خصوص پس از انقلاب شاید به جرات بتوان گفت که فریدون جیرانی یک فیلمساز نیمه‌فمینیست است که زنان، نقش بسیار موثری در سینمایش ایفا می‌کنند. او مانند تهمینه میلانی به دنبال شعارهای مردستیزانه و به تصویر کشیدن تخطئه‌های سطحی و آگزوتیک زنانه نیست، بلکه جیرانی با این که یک مرد است اما زن‌ها را به خوبی می‌شناسد و به جای شعار، به درون اجتماع آن‌ها می‌رود و در طبقات شهری، فردیت و هویت اجتماعی‌شان را مورد کاوش قرار می‌دهد. جنس زنان فیلم‌های جیرانی نه لوس و گریه‌کن هستند و نه مردستیزهای ادا و اطواری که فقط از دست جامعه مردسالار ناله می‌کنند، بلکه زنان او در کنش و قوس سرکوب‌های هویتی در یک اجتماع معلق میان سنت و مدرنیسم درگیر فردیت خویش هستند و تا آخرین نفس مبارزه می‌کنند.

«فرمز» نخستین فیلم جیرانی به‌نوعی مانیفست یک عمر کارنامه هنری اوست که تا به امروز پس از گذشت ۲۲ سال هنوز فیلمساز ما در حول همان محور می‌چرخد اما تلاش می‌کند که مانند کیمیایی به دام خود تکراری و خودارضایی محتوایی نیفتد و سالانه «قیصر» های گوناگون نسازد. با این که جیرانی کارنامه‌اش پر فراز و نشیب است اما او بسیار تلاشگر است تا موتیف‌های داستانی‌اش تازگی و طراوت داشته باشند. با این حال پاتولوژی اجتماعی او در عمق اجتماع در یک محور ثابت می‌چرخد و به قول معروف از این شاخه به آن شاخه نمی‌پرد و مانند برخی سینماگران نان به نرخ روز نیست. جیرانی خودش است، همان جیرانی فیلم «ترگس» یا کمی تغییرا

اما پس از «ترگس» گویی همان جیرانی که مد نظرش بود متولد می‌شود؛ جیرانی که دغدغه‌اش تقابل زانی از نوع «ترگس» است که در دل اجتماع میان یک مرد و یک زن

گروه تلویزیون

پژمان خلیل‌زاده



در تاریخ سینمای پس از انقلاب، فریدون جیرانی یک خبرنگار، پژوهشگر، تاریخ‌شناس، سناریست و نهایتاً یک کارگردان نسبتاً مستقلی است که هم در نوشته‌ها و هم در آثار نمایشی‌اش دغدغه‌ها و مسائل تالیفی خودش را دارد. البته جیرانی به معنای کامل کلمه، فیلمساز مولفی نیست، چون اساساً در سینمای ایران تئوری مولف کارکرد درستی ندارد، چون هنوز به غنای فرمالیستی‌اش به‌عنوان یک مکانیسم نرسیده است، اما با این وجود، جیرانی در کنار سینماگران دیگر در طول مدت کارنامه پر فراز و نشیب خود توانسته اسم و رسمی برای خویش بیابد و همچون سینماگرانی مانند کیمیایی و مهرجویی که الگویش بودند، درگیری‌های شخصی خود را به عرصه تصویر تبدیل کند.

شاید نام فریدون جیرانی اساساً با فیلم بحث‌برانگیز آن سال‌ها یعنی «ترگس» اثر رخشان بنی‌اعتماد بیشتر در نظرها سایه انداخت و از آن به بعد نام او در مقام فیلمنامه‌نویس مهم شمرده شد. «ترگس» یکی از نقاط عطف زندگی هنری جیرانی در بسط افکارش به مضمون‌های اجتماعی و کاراکترهای مورد علاقه‌اش یعنی ایجاد چالش‌های اجتماعی برای زنان محسوب می‌شود؛ از این فیلم به بعد است که جیرانی همان جیرانی «فرمز» و «آب و آتش» و «شام آخر» می‌شود و تا به امروز او را تبدیل به یکی از فیلمسازان اصلی‌ای تبدیل کرده که در آثارش، زنان نقش بسیار پررنگی دارند.

جیرانی زمانی «قیصر» بین بود و «گاو» را استایش می‌کرد و مدل فیلمسازی امیر نادری و ناصر تقوایی را می‌ستود، برعکس سینمای هنری کبارستمی‌ها و شهید ثالث‌ها، نقطه‌نظر فیلمیک جیرانی از دغدغه مخاطب عام می‌آید و اساساً می‌خواهد طبقات جامعه را درگیر کند و از ابتدا هم معضلتش همین بوده و در

